

نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور ، کلید توسعه / مهندس ارسلان عطایی

در زمان مدیریت مرحوم صفی اصفیا قائم مقام سازمان برنامه وقتی تصمیم گرفته شد عملیات اجرایی به وزارتخانه ها سپرده شود، سازمان برنامه بر مدیریت پروژه ها تمرکز نمود بدین ترتیب که مراحل پیدایش طرح ها ، طراحی، اجرا ، نظارت ، بازرسی و بهره برداری تحت کنترل سازمان انجام پذیرد. به منظور اجرای صحیحتر وظایف مذکور دفتر فنی سازمان اقدام به انتشار نشریات متعددی نمود.

نشریه زلزله خیزی در ایران از سال 1900 تا 1969 که در سال 1350 منتشر گردید در زمره اولین نشریات پیشرو در موضوع زلزله توسط سازمان برنامه می باشد.

به دنبال تصویب قانون برنامه و بودجه در سال 1352 و علی الخصوص مفاد ماده 23 آن و همچنین تصویب آیین نامه استانداردهای اجرایی، دفتر نظام فنی و اجرایی جایگاه قانونی پیدا نمود. از آن زمان قریب به نیم قرن می گذرد و حاصل تلاشهای کارشناسان سازمان برنامه، تصویب صدها آیین نامه ، بخشنامه و مقررات فنی و حقوقی می باشد. اعتبار ضوابط و معیارهای فنی اعم از شرایط حقوقی و قراردادی، مبانی حق الزحمه ها، روابط بین عوامل دست اندرکار، مشخصات فنی و عمومی تا بدانجاست که در مراکز آموزش عالی کشور نیز به عنوان مراجع علمی معرفی می شوند. آیین نامه آبا نمونه بارز آن می باشد.

از طرفی نظارت مستمر و دقیق در پروژه های عمرانی موجب دوام بیشتر مستحقات مربوط گردید. در زلزله منجیل و رودبار ، ساختمانهای دولتی و همچنین طرحهای ملی از قبیل سد و تونلهای منجیل آسیب جزئی دیدند به گونه ای که وقوع زلزله به قدرت 7.4 ریشتر نتوانست در بهره برداری از آنها خللی وارد نماید. اما همان زلزله در حوزه بخش خصوصی، موجب تخریب حدودا 200 هزار واحد مسکونی و مرگ تقریبا 37000 نفر از هموطنان عزیزمان گردید. تجربه زلزله منجیل و زلزله بم و سایر زلزله های بزرگ و کوچک، مسئولان کشور را بر آن داشت تا به گسترش مقررات نظام فنی و اجرایی به تمامی حوزه های صنعت احداث

منجمله حوزه ساخت و ساز بخش خصوصی اهتمام ورزند. پس از تلاشهای متعدد دولت در جهت یکپارچگی نظام فنی و اجرایی در سالهای 1372 و 1385، در نهایت قانونگذاران مجلس شورای اسلامی نیز پا به عرصه گذاشته و طی ماده 34 احکام دائمی برنامه ششم توسعه، دولت را موظف به تصویب آیین نامه نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور نمودند. بدین ترتیب با عزمی ملی تلاش گردید از جزیره ای و سلیقه ای شدن مقررات ساخت و ساز در وزارتخانه های عمده جلوگیری به عمل آید.

از منظری دیگر از مولفه های عمده نظریه سوسیالیسم، ترجیح جامعه بر فرد و فراتر نهادن سود همگانی بر سود فردی است. از این رو لبه تیز انتقاد سوسیالیستها به سوی مالکیت بخش خصوصی می باشد. سوسیالیسم، فردگرایی اقتصادی و صنعتی را رد کرده و با فردیت انسان و آزادیهای اقتصادی و پیشتازی بخش خصوصی موافق نمی باشد. نظریه سوسیالیست به شدت دولتی و تمرکز گرا می باشد. با ذکر مثالهایی می توان ثابت نمود تفکر فوق در مبانی نظام فنی و اجرایی جایگاهی ندارد.

در سال 1382 طی تفاهمنامه مابین سازمان مدیریت و برنامه ریزی وقت و شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، صنفی و حرفه ای شکور مقرر گردید بخش خصوصی در کلیه تصمیم گیری های خرد و کلان مرتبط با صنعت احداث و همچنین تهیه و تدوین مقررات مربوطه دخیل گردید.

بدین گونه نهاد تعامل سازمان برنامه و بودجه و بخش خصوصی شکل گرفت. حاصل جلسات هفتگی چندین ساله نمایندگان سازمان و شورای هماهنگی، تصویب دهها بخشنامه و آیین نامه می باشد که با رویکرد تضمین منافع بخش خصوصی ضمن حفظ منافع ملی تدوین گردید.

حتی تشخیص صلاحیت شرکتهای پیمانکاری که مشکل از عموم مردم می باشد به نمایندگان همان شرکتهای در انجمنهای استانی پیمانکاران واگذار گردید. حال آنکه در عموم وزارتخانه های کشور، واحدی به نام معاونت یا حتی مشاور بخش خصوصی یا تشکلهای وجود نداشته و دستگاههای اجرایی با رویکردی کاملاً متمرکز و حتی گاهی اقتدار گرایانه که برآمده از همان نگاه سوسیالیسم می باشد به فعالیت خود ادامه می دهند.

هر آن قدر که سازمان برنامه و بودجه تلاش نموده در انجام وظایف خود از بخش خصوصی کمک گیرد، دستگاههای اجرایی از برون سپاری مسئولیت های خود سر باز زده اند. به عنوان نمونه می توان به شرکت

ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور اشاره نمود که در سال 1383 به منظور کاهش تصدی گری وزارت راه و ترابری وقت و کاهش بار سنگین بودجه جاری این وزارتخانه بر دولت تاسیس گردید. لیکن کمی بعد هدف اصلی شرکت ساخت و توسعه، مدیریت متمرکز در زمینه زیرساختهای حمل و نقل کشور اعلام گردید که خود حکایت از تفکر سوسیالیستی مدیران آن می باشد. مطابق تبصره ماده 4 اساسنامه آن، فعالیتهای شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور تنها به پروژه های ملی محدود گردید. بدینگونه امروز شاهد تعداد بی شماری از ادارات راه و شهرسازی در شهرهای بزرگ و کوچک کشورمان می باشیم که خود بخش عمده ای از بودجه عمومی را بلعیده و مانع مهمی در تخصیص اعتبارات به طرحهای تملک داراییهای سرمایه ای می باشند.

رویکرد نظام فنی و اجرایی کشور شرکت محور بوده و به واگذاری طرحها به اشخاص حقوقی تاکید می نماید. به منظور اطمینان از عملکرد نهایی محصول، صلاحیت هر شرکت داوطلب اجرای پروژه، علاوه بر آنکه در فرآیند ارجاع کار مورد بررسی قرار می گیرد، تضامینی نیز از شرکت مذکور اخذ می گردد. ضمن آنکه نظارت بر حسن اجرای کار از طرف شرکت دیگری که آن نیز برآمده از بخش خصوصی بوده و دارای صلاحیت نظارت است کنترل می گردد.

البته نظام فنی و اجرایی به ملاحظات فوق اکتفا ننموده و به منظور پوشش ریسکهای احتمالی غیر قابل پیش بینی از قبیل حوادث فورس ماژور، پیمانکار را به عقد قرارداد با شرکتهای بیمه که برخی از آنها نیز شرکتهای خصوصی هستند متعهد می نماید تا بدین ترتیب عملیات موضوع پیمان با هزینه دولت بیمه گردد.

در نهایت امروز قانونگذاران و دولتمردان به منظور حفظ منافع ملی و تضمین کیفیت ها در صنعت احداث و کاهش آسیب پذیری ها ناشی از بلایای طبیعی، مصمم به یکپارچگی کلیه نظامات فنی و اجرایی می باشند. این امر جز با همکاری مسئولین دستگاههای اجرایی و فعالان و صاحبان نظران بخش خصوصی میسر نمی باشد. نقدهای سازنده می تواند به شکل دهی صحیح هدف فوق کمک نماید لیکن تلاش جهت پیشگیری از آرمان فوق موجب بروز خسارتهای مجدد در حوزه بخش خصوصی آنچنانکه در زلزله کرمانشاه شاهد بودیم خواهد شد.

روییای کفش تبریز / حسین سلاح‌ورزی، نایبرئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی

می‌گویند کسی که در هر سن و سالی آرزوی بزرگ در دل و رویایی دور و دراز در سر نداشته باشد برای ادامه زندگی شاداب و پرتحرک چیزی کم دارد. انسان از نوزادی تا کهنسالی و از دوره‌ای که اندیشه و فکر و یادش به حالت عادی فعالیت می‌کند دنبال به دست آوردن چیزی است که دیگران دارند و او در حسرت داشتن همان چیز است. این یک امر رایج است که آدمی به داشتن چیزی که در اختیار دیگران است نیز بسنده نمی‌کند و بالاتر و بیشتر از دیگران می‌خواهد. بدون چون و چرا باید این را بدانیم و در جوهره اندیشه‌مان باور بداریم که البته هر خواستنی در نهایت به نتیجه نمی‌رسد و انسان نیز به این نتیجه رسیده است که برای دوری از حسرت دردناک و کشنده، بام و سقف آرزوهایش را تا جایی قرار دهد که با واقعیات و توانایی‌اش و قابلیت‌های آتش هم‌اندازه باشد یا در جایگاهی باشد که او بداند در صورت تلاش بیشتر احتمال دارد به آن پله برسد. چرا چنین است؟ چون در دنیای واقعی همه انسان‌ها می‌دانند چوب سحرآمیزی ندارند که آن را به جسم و ماده‌ای بزنند و آن را به طلا تبدیل کنند تا موجب خوشبختی آنها شود. آدمی نیک می‌داند باید برای رسیدن به آرزو و رویایش از پرواز دادن بیش از اندازه خیال دوری کند و این تجربه بشری آسان به دست نیامده است.

روییای یک رئیس دولت

نهاد دولت از دیرباز تا امروز به شکل‌های گوناگون خود را بر جامعه انسانی تحمیل کرده است. این نهاد که البته ساخته و پرداخته ذهن انسان و برای برطرف کردن نیاز او پدیدار شده است نسبت به هر نهاد دیگری نیرو و توانایی بیشتری دارد. نهاد دولت شامل همه نهادهای موجود در قانون اساسی کشورها که یک کلیت واحد است و به ویژه شامل

نهادهای اجرا، قانونگذاری و قضاوت امکانات قانونی بسیار بالایی در اعمال قانون و مقررات دارد و از این نظر که قانون بالاترین قدرت است میتواند برخانواده، بر بنگاه و بر اجزای نهادهای مدنی دیگر تحمیل شود. به این ترتیب رئیس دولت در هر سرزمینی به لحاظ توانایی اعمال قدرت و تحمیل اراده‌اش بر جامعه، موقعیت ممتازی دارد. با این همه روسای دولتها نیز نمیتوانند رویاهای بلند و آرزوهای سترگ و دست‌نیافتنی را از ذهن به عمل درآورند و هر خواهش‌های را برای خوشایند خود و شهروندان بخواهند و آن را به مثابه دستور حکومت لحاظ کنند.

بر اساس قانون اساسی موجود در ایران رئیس دولت با رای اکثریت شهروندان به مقام ریاست دولت و ریاست جمهوری میرسد. حسن روحانی نیز در دو انتخابات پیاپی در سال‌های 1392 و 1396 بر رقبایش در مبارزات نفسگیر استیلا پیدا کرد و اکنون نزدیک به پنج سال است که رئیس‌جمهور ایران به حساب می‌آید. این رئیس دولت در ایران همانند سایر شهروندان ضمن اینکه برای شخص خود آرزو دارد برای سرزمین ایران که بر آن فرمان میراند نیز آرزوهای بلندی داشته و دارد. برخی از این آرزوها در قالب برنامه‌ها و اسناد بالادستی به شکل قانون و مقررات درآمده است و برخی دیگر از آرزوها ناگهانی به ذهن و اندیشه روحانی میرسد. روحانی چند روز پیش از تبریز که یک شهر بزرگ و تاریخی است دیدار می‌کرد. او در دیدار از بازار بزرگ تبریز و دیدن بازار کفاش‌ها هیجان‌زده شد و بنا بر سابقه‌ای که از کیفیت و زیبایی و استحکام کفش‌های تولیدی این شهر داشت آرزویش را بر زبان آورد و به مدیرانی که او را همراهی می‌کردند تصریح کرد کفش تبریز باید به یک برند جهانی تبدیل شود و اعتبار از دست‌رفته پیشین را در میان شهروندان کشورهای همسایه و کشورهای دیگر به دست آورد. این آرزوی بزرگی برای ایران و ایرانیان بوده و هست که در لحظه‌ای هیجانی بر زبان رئیس‌جمهور آمده است.

برند جهانی تبریز؟

حالا و پس از سپری شدن چند روز از بیان آرزوی رئیس دولت ایران مبنی بر اینکه «کفش تبریز» باید برند جهانی شود را میتوان در ترازوی بررسی‌های کارشناسانه قرار داد و درباره اجرایی شدن آن بحث و گفت‌وگو کرد. هدف از این بررسی بیشتر شاید جلوگیری و هشدار دادن نسبت به برخی اقدام‌های احتمالی است که برای اجرای این خواهش روحانی اجرایی خواهد شد. نخستین پرسش این است که منظور از «کفش تبریز» که باید برند جهانی شود چیست. به طور مثال آیا باید یک

بنگاه یا کارخانه یا گروهی از کفشدوزان کفشهایی تولید کنند که چشم‌نواز باشد، توانایی جلب نظر انواع سلیقه‌ها برای زنان و مردان، جوانان و میانسالان و کهنسالان در کشورهای همسایه، در اروپا و در آسیا و در سایر قاره‌ها را داشته باشد و در ضمن به لحاظ قیمتی همه گروه‌های درآمدی در جهان را جلب کند؟ واقعیت این است که این آرزوی رئیس‌جمهور که در شکل خام‌اش به رویا می‌ماند باید از ذهن دور شده و به دنیای واقعی نزدیک شود. به این معنا که از تجرید دور شویم و به این پرسش جواب دهیم که مخاطب این خواسته رئیس‌جمهور کدام نهاد و کدام افراد هستند و چه گام‌هایی باید برداشته شود و چه تنگنانهایی دارد.

کفش تبریز یا کفش ملی یا وین یا...؟

دردنیای واقعی و در عمل به ویژه در دنیای امروز هر کالای برندی در جهان از سوی یک بنگاه تولید می‌شود و به نام همان بنگاه یا نامی که بر مدل‌های گوناگون آن کفش گذاشته می‌شود مشهور است. به طور مثال در ایران پیش از انقلاب اسلامی «کفش ملی» یک برند شده بود و دست‌کم در داخل کشور به ویژه در میان اکثریت شهروندان خریداران و مشتریان وفاداری داشت. به نظر می‌رسد کفش ملی در ایران، یا هر برند کفش معتبر در جهان بیش از آنکه از سوی دولت‌ها و به ویژه رئیس‌دولت به مثابه آرزو معرفی و تبلیغ شود، محبوبیت و مقبولیت آن از درون تمایل شهروندان و مناسبات اقتصادی جامعه و شرایط جهانی برمی‌خیزد. حال نیز اگر قرار باشد کفش تبریز مبدل به یک برند جهانی شود، باید از درون مناسبات اقتصادی و سرمایه‌گذاری فردی خودانگیخته بیرون آید. می‌توان کبریت توکلی داشت یا شیرینی تواضع اما نمی‌توان کفش تبریز داشت آن هم با شرایط دولتی.

به داد صنعت برسیم

برخلاف تصور برخی که می‌اندیشند یک مزیت یا یک فعالیت برای همیشه می‌ماند، در دنیای امروز شتاب دگرگونی‌ها در هر حوزه از جمله صنعت به اندازه‌ای است که برندها باید بسیار استوار و محکم باشند تا پایدار بمانند. در ایران برندهایی داشتیم که به هر دلیل امروزه نیستند. ارج و جنرال در صنعت لوازم خانگی از نامدارترین آنها بودند و روغن نباتی قو و شکلات مینو نیز روزی می‌درخشیدند و اکنون چراغ آنها خاموش یا ضعیف است. به نظر می‌رسد ریاست دولت باید بیش از پیش نجات باقی‌مانده صنعت ایران را در دستور کار قرار دهد. روان‌سازی محیط کسب‌وکار در سطح بنگاه، صنعت، محیط ملی و محیط

جهانی از وظایف دولت است تا صنعت ایران روزگاری را برای بازسازی و نوسازی و عبور از شرایط نابودی تجربه کند. اگر روزی نرخ بهره بانکی در ایران سامان گرفت، سیاست‌های ارزی از نوسان و انقلاب دور شد، سیاست‌های کلان اقتصادی مناسب اتخاذ شد و مناسبات اقتصاد ایران با دنیای بیرون از محیط ملی مناسب شد برندهای ایرانی در شرایط زاد و رشد قرار می‌گیرند. برندسازی یک روند و یک فرآیند است که نیاز به آرامش ذهنی و آسایش مادی دارد و در شرایط سخت و ناآرامی‌های ناشی از آشوب پولی و ارزی و فشار شدید مالیاتی و تامین اجتماعی زاد و رشد نمی‌کند. مدیران اجرایی در دولت باید زمینه و بستر لازم برای پوشاندن لباس عمل به رویای رئیس دولت را با آرامش و بدون رانت فراهم کنند و بستر لازم برای سرمایه‌گذاری بزرگ در صنعت کفش دست‌دوز تبریز فراهم شود. اگر به داد صنعت امروز و موجود برسیم برندها ممکن است متولد شوند.

می‌گویند کسی که در هر سن و سالی آرزویی بزرگ در دل و رویایی دور و دراز در سر نداشته باشد برای ادامه زندگی شاداب و پرتحرک چیزی کم دارد. انسان از نوزادی تا کهنسالی و از دوره‌ای که اندیشه و فکر و یادش به حالت عادی فعالیت می‌کند دنبال به دست آوردن چیزی است که دیگران دارند و او در حسرت داشتن همان چیز است.

کارفرمایان؛ شرکای استراتژیک تامین اجتماعی / دکتر حمیدرضا سیفی

کارفرمایان به‌عنوان شرکای استراتژیک تامین اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در پیشبرد اهداف این سازمان دارند. بدون حضور پررنگ کارفرمایان و فعالیت آنها در بازار کسبوکار، قطعاً هم چرخ توسعه از حرکت بازمی‌ایستد و هم بسیاری از کارگران به صف بیکاران می‌پیوندند.

حمایت دولت و تامین اجتماعی از کارفرمایان در واقع حمایت از تولید و اشتغال است. در جامعه‌ای که کارفرما با آرامش خاطر در فضای کسبوکار سرمایه‌گذاری می‌کند و تامین معیشت چندین نیرو را به عهده

می‌گیرد، زندگی کارگران نیز از رفاه بهتری برخوردار خواهد بود، زیرا امنیت شغلی که در بستر مراودات کارگر-کارفرمایی به وجود می‌آید هم بر پیوستن به جرگه مشاغل کاذب و غیررسمی ارجحیت دارد و هم انتخاب‌های شغلی بیشتری را پیش روی جامعه کارگری می‌گذارد.

حمیدرضا سیفی، عضو هیئت‌مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران، در گفتگو با آتیه‌نو به مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کارفرمایان اشاره می‌کند و در این میان انتقادهایی هم از مقررات و قوانین دست‌وپاگیر می‌کند. به اعتقاد او، راه رونق فضای کسبوکار و تامین رضایت کارگران و کارفرمایان در عمل به قانون خلاصه می‌شود، به طوری که به باور او اگر دولت به تک‌تک وظایف قانونی‌اش در قبال کارگران و کارفرمایان عمل کند، تعامل بین کارگر و کارفرما نیز به سطح ایده‌آل خود خواهد رسید. گفتگو با این فعال تشکلهای کارفرمایی را از نظر می‌گذرانید.

فکر می‌کنید عمده دغدغه کارفرمایان در ارتباط با سازمان تامین اجتماعی در چه مسائلی خلاصه می‌شود؟

گاه برخی شعب سازمان تامین اجتماعی به برخی کارفرماها سخت می‌گیرند. به این صورت که گاه پرونده‌های حقوقی برای برخی کارفرماها تشکیل می‌شود و سپس برای بررسی به هیئت‌های بدوی و پس از آن هیئت‌های تجدیدنظر می‌رود، که همین روند چند ماه طول می‌کشد. پس از آن، پرونده به دیوان عدالت اداری سپرده می‌شود که در این صورت باید یکی دو سال منتظر نتیجه پرونده بمانیم.

در این بین تنها کسی که بیشترین فشار را تحمل می‌کند کارفرماست. ما انتظار داریم میزان تشکیل این پرونده‌ها کمتر شود و زمان رسیدگی به آنها نیز کاهش یابد.

به نظر شما برای کاهش این مشکلات، چه روشی باید پیش گرفته شود؟

سازمان تامین اجتماعی یک نهاد عمومی است و منابع مالی آن باید به صورت سه‌جانبه از سوی دولت، کارگر و کارفرما تامین شود. در دوره مدیریت قبلی سازمان تامین اجتماعی، حتی شورای اجتماعی تامین اجتماعی را لغو کردند که ضربه بزرگی به کارفرماها زد. سازمان تامین اجتماعی متعلق به بیمه‌شده‌هاست و باید توسط کارگر، کارفرما و دولت تامین مالی شود، دولت‌ها به تامین اجتماعی به‌عنوان منبع مالی نباید نگاه کنند که همین نوع نگاه نیز در نهایت به ضرر کارگر و کارفرما تمام می‌شود. فکر می‌کنم با تاکید جدی بر ترویج سه‌جانبه‌گرایی می‌توان مشکلات موجود در تامین اجتماعی را ریشه‌کن کرد، به شرطی که دولت همکاری بیشتری نشان دهد و تعامل بیشتری با

کارگران، کارفرمایان و تامین اجتماعی داشته باشد.

بخش زیادی از ارتباط کاری کارفرمایان با نهادهای دولتی است. فکر می‌کنید در این بخش چه چالش‌هایی پیش روی کارفرمایان قرار دارد؟

یکی از عمده مشکلات کارفرمایان، بروکراسی‌های اداری در سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی است که ترمز کسبوکار را می‌کشد. وقتی کسی به دنبال ایجاد کسبوکار جدیدی است، نباید آنقدر کاغذبازی و پر کردن فرم‌ها وقتش را بگیرد که دیگر نتواند بر کسبوکارش تمرکز کند. سرمایه‌گذار به تضمین دولت نیاز دارد تا بتواند با اطمینان پول خود را در اختیار تولید و اشتغال کشور قرار دهد. او می‌خواهد اطمینان داشته باشد که با سرمایه‌گذاری روی فلان طرح، بعد از مدتی مشخص، پولش به همراه سود به او بازمی‌گردد. وقتی به کشوری مثل ترکیه نگاه می‌کنیم می‌بینیم که دولت، حتی به سرمایه‌گذارهایی که در خارج از کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند تضمین می‌دهد، چه برسد به سرمایه‌گذارهایی که در داخل به سرمایه‌گذاری می‌پردازند. در واقع حمایت و تضمین دولت به سرمایه‌گذارهاست که می‌تواند موتور سرمایه‌گذاری را در کشور روشن نگه دارد.

فکر می‌کنید برای ارتقای سطح تعامل بین دولت و کارفرما، چه راهکاری مناسب‌تر است؟

دولت‌ها باید حرف کارفرما و کارگر را بشنوند و برای حل مسائشان زمان بگذارند. تفکر دولتی باید در کنار بخش خصوصی وجود داشته باشد، نه اینکه دولت به تنهایی حکم کند. تا زمانی که این اتفاق نیفتد و دولت خودش را ملزم به تعامل بیشتر با کارفرمایان نداند، این سطح روابط، ارتقا پیدا نخواهد کرد.

**□ به بهانه روز معمار / دکتر
طاهره نصر؛ عضو شورای مرکزی**

نظام مهندسی کشور

بر اساس پژوهش‌های تاریخی، انسان در آغاز عصر نوسنگی برای در امان بودن از گرما و سرما و برف و باران و گزند جانوران، «پناهگاه» و آلونک می‌ساخته است. در این زمان هنوز تخصص در حرفه‌ها شکل نگرفته بود.

ما در هزاره ششم قبل از میلاد که تک تک خانه‌ها در پاره‌ای از بخش‌های ایران پدید آمد و آجر نیز در هزاره سوم قبل از میلاد ساخته شد، افراد خاصی از انسان، به ساختن خانه و کاشانه روی آوردند که شاید بتوان آنها را در تاریخ، نخستین بنایان و معماران برشمرد. معماران همواره در تاریخ جایگاهی خاص داشته‌اند. واژه عربی معمار که صیغه مبالغه فرهنگی دارد به معنای بسیار عمارت‌کننده است.

معماری را باید فرصتی دانست برای شناخت انسان از محیط پیرامون خود، معماری را باید آفرینش مکانی دانست که بر پایه باور و اندیشه است برای رفع نیاز. معماری هنر سازمان‌دهی فضا است و این هنر از راه ساختمان بیان می‌شود. برخی نیز معماری را هنر ساختن و هدف کلی آن را محصور کردن فضا برای استفاده بشر تعریف می‌کنند.

عده‌ای نیز به معماری به عنوان هنر محصور کردن فضا جهت استفاده بشر می‌نگرند. اما در کلامی کلی، معماری یعنی تبدیل ذهنیت به کالبد عینی در قالب فرم، محتوا و عملکرد. در نگاهی کلی می‌توان هم عامل محیط را در شکل‌دهی به معماری موثر دانست و هم عامل انسانی یا به بیانی دیگر مخاطب معماری. توجه به محیط از آن جنبه مهم است که بستر طراحی به عنوان عاملی هویت بخش به معماری می‌تواند و باید مطرح باشد. همچنین تامین امنیت و آسایش مردم جامعه به عنوان مخاطبان معماری نیز ...

بسیار مهم است و می‌تواند به عنوان یکی از عوامل شکل‌دهنده معماری به عنوان پاسخ به نیاز مردم مطرح باشد. با توجه به دو عامل مذکور جایگاه توجه به «مهندسی ارزشی» و «مهندسی فرهنگی» در وظایف معماران مشهود است. چرا که معماری در بستر شهرها شکل خود را می‌یابد و آینده ساختوسازهاست که سیمای شهرها را رقم می‌زند؛ لذا جایگاه معماری در این میان جایگاهی ارزشی است. ارتقای کیفی سیمای شهرها فقط توجه به آینده ساختوسازها نیست.

ماده 2 قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان به تقویت و توسعه فرهنگ و ارزش‌های ایرانی اسلامی در معماری و شهرسازی، ترویج اصول معماری و شهرسازی و رشد آگاهی عمومی نسبت به آن و مقررات ملی ساختمان و افزایش بهره‌وری، حمایت از مردم به عنوان بهره‌برداران

از ساختمان‌ها و فضاهای شهری و ابنیه و مستحدثات عمومی و همچنین رشد و اعتلای مهندسی در کشور به صورت آشکار، اشاره کرده است. در این میان توجه به جایگاه «رشته معماری» در میان سایر رشته‌های هفت‌گانه مهندسی، مهم‌تر است. چرا که معمار با خلاقیت خود فضایی را خلق می‌کند و باید توجه معمار به خلق فضا در راستای ارتقای کیفیت سکونتگاه‌های انسانی و محیط زیست باشد. بنابراین توجه به جایگاه «مهندسی ارزشی» و «مهندسی فرهنگی» دو مقوله‌ای است که در سازمان‌های نظام مهندسی باید مورد اهمیت بیشتر قرار گیرد. از سویی دیگر باید برای توجه عموم مردم و متخصصان به معماری و مهندسی در ایران کوشید و زمینه حمایت و مشارکت بیشتر دستگاه‌های اجرایی جهت ارتقای طراحی و کیفیت ساختمان‌ها را فراهم کرد. روز معمار مبارک.

توجه به جایگاه «رشته معماری» در میان سایر رشته‌های هفت‌گانه مهندسی، مهم‌تر است. چرا که معمار با خلاقیت خود فضایی را خلق می‌کند و باید توجه معمار به خلق فضا در راستای ارتقای کیفیت سکونتگاه‌های انسانی و محیط زیست باشد. بنابراین توجه به جایگاه «مهندسی ارزشی» و «مهندسی فرهنگی» دو مقوله‌ای است که در سازمان‌های نظام مهندسی باید مورد اهمیت بیشتر قرار گیرد. از سویی دیگر باید برای توجه عموم مردم و متخصصان به معماری و مهندسی در ایران کوشید و زمینه حمایت و مشارکت بیشتر دستگاه‌های اجرایی جهت ارتقای طراحی و کیفیت ساختمان‌ها را فراهم کرد.